

## ما را دوباره به غار کوه می برند

خداوند روح یکی از خویشاوندان مرحوم مرا شاد داشته باشد که در هنگام صحبت از مذهبیبون عقب گرا به من گوشزد میکرد که "این ها ما را دوباره به مغاره های کوه می برند." البته هدف او این بود که اگر اهداف این عقیدگرایان برآورده شود تمام دست آورد های تمدن امروز به باد فنا خواهد رفت و ما دوباره به زندگی عصر حجر که انسان ها در مغاره های کوه زندگی می کردند بر خواهیم گشت.

دیدن صحنه های افراطی "عزاداری" بخاطر شهادت حضرت امام حسین در کابل و تبدیل گوشه های شهر به مثل اینکه گویا در تهران و یا نجف هستیم و راپورتاژ های ایران گرایانه تلویزیون آریانا از کابل مرا بی اندازه متأثر ساخت و همانا به یاد گفتار خویشاوند مرحوم انداخت که ما را دوباره به غار کوه می برند. این برداشت من نه فقط ازین واقعه مراسم دهم محرم در کابل بلکه از بسیاری برنامه های تلویزیون های رسمی و غیر رسمی افغانی است که بیشتر از هفتاد در صد محتویات شان را مضامینی تشکیل می دهد که در ظاهر "اسلامی" می باشند ولی محتوای آن کاملاً بی فائده و هدف آن جز برگشت به خرافات و نگهداشتن مردم در عقماندگی فکری چیزی دیگری نیست.

وقتی که به افغانستان چهل سال قبل فکر می کنم به یاد می آورم که چه اشخاص فهمیده و با درایتی داشتیم و هنگامی که صحبت می کردند انسان واقعا مجذوب گفتار شان می شد و به ما امید می بخشیدند که کله هائی هستند که ملک ما را به جایی خواهند رساند. اگر امروز پروگرام های تلویزیون را ببینید و به سخنان بسیاری گوش کنید حیف تان به سوییء پایان شان می آید و واقعا درک می کنید که مملکت ما چه ضربه مدهشی از نگاه فرهنگی در سی سال گذشته خورده است.

با پول و تقویه ایران و عربستان ، استفاده از مذهب به خاطر پیشبرد منافع شوم شان به اوج خود رسیده است و هدف اینها جز تبدیل کردن افغانستان به یک مستعمره فرهنگی این ممالک چیز دیگری نیست. حتی در امریکا و کانادا هم می ببینیم که به خاطر نفوذ اعراب و ایرانیان یکعده از هموطنان ما عادت های قبلی طرز کالا پوشیدن و صحبت کردن خود را کاملاً تغیر داده اند و از آن هیچگونه شرمی ندارند. یک آغائی از تورنتو در روز دهم محرم صحبت می کرد که از یک مبلغ ایرانی هیچ تفاوتی نداشت و با استعمال کلماتی مثل "طاغوتی" و غیره گویا کاپی آیت الله خمینی را می کرد. وای به حال ملت و مردم ما که عاقبت ما به اینجا رسیده است. وقتی که مردم ما از نگاه فرهنگی خود را باختند و خود را بیشتر مثل یک ایرانی و یا یک عرب احساس کردند بهتر است که کشور افغانستان دیگر کدام موجودیتی نداشته باشد.

یک وقتی بود که کمونیست های افغانی با صحبت ها و ژست هائی که از شوروی ها یاد گرفته بودند با حرکات کاملاً بیگانه به مردم ما ، مثل هورا گفتن و یکی دیگر را "رفیق" خطاب کردن و نوش جان کردن وادکای روسی خود را "مترقی" فکر می کردند. حالا مذهبیبون وابسته به ایران و اعراب و پاکستان هم با فراموش کردن فرهنگ خود به نوکران بیگانه تبدیل شده اند و با خورجین هائی که از ان ممالک تمویل می شود امواج تلویزیون و صفحه های اخبار و انترنت را با اراجیف خود پر کرده اند و ازین خود فروختگی فرهنگی هم هیچ نوع شرمی ندارند.

از سایت وزین افغان جرمن آن لاین ممنون هستم که درین روزهای تار که باشه های تاریک فرهنگ و مذهب اجنبی دست های کثیف خود را دراز کرده اند که هویت ما افغان ها را از بین ببرند و "ما را به غار کوه بر گردانند" به مانند یک روزنهء امید برای نگهداشت فرهنگ اصیل ما تپ و تلاش می کند. امیدوارم هموطنان چیز فهم ما با درک وخیم بودن وضع فرهنگی ما هر چه بیشتر در صفحات تلویزیون و دیگر وسائل ارتباط جمعی ظاهر شوند تا این تاثیر های منفی را خنثی بسازند و افغانستان و افغان های عزیز را ازین وضع رقتبار فرهنگی نجات بدهند.

از علامه اقبال:

ترا نادان امید غم گساری ها ز افرنگ است  
دل شاهین نسوزد بهر آن مرغی که در چنگ است  
درین میخانه هر مینا ز بیم محتسب لرزد  
مگر یک شیشه ئ عاشق که از وی لرزه بر سنگ است  
کهن شاخی که زیر سایه ئ او بر آوردی  
چو برگش ریخت از وی آشیان برداشتن ننگ است